

چگونه می توانم آموزش نقاشی سبک های بصری آکادمیک را برای اعضای نوجوان (دختر و پسر)
مرکز ساده تر کنم ؟

مرجان نوروزی زاده

کارشناس ارشد پژوهش هنر، مربی نقاشی مرکز 3 کانون پرورش فکری کودک و نوجوان اهواز- مدرس دانشگاه هنر پیام نور اهواز

marjannorouzi@yahoo.com

چکیده

مهمترین رکن توسعه در ابعاد فردی ، سازمانی و اجتماعی ، آموزش است که سازندگی و بهبود و تعالی انسان را به همراه دارد. در این امر معلمان باید به قصد آسان کردن یاد گیری برای یادگیرندگان (دانش آموزان) به دنبال راه ها و روشهایی برای این فعالیت باشند. مربی کانون پرورش فکری در همه فعالیت های هنری از جمله نقاشی همیشه به فکر آموزش خلاقیت ، جدید ترین شیوه های هنری به اعضاء است. با وجود چند سال از تدریس در این حوزه ، دانش آموزانی که چندین سال با اشتیاق برای یادگیری تکنیک های نقاشی به مرکز می آیند روشهای تکراری برای آنها آموزش تلقی نمیشود بلکه درجا زدن و گذراندن وقت برای اعضای مشتاق به شمار می آید.

در این اقدام پژوهشی با تحقیق میدانی و کارگاه های آزمایشی - اجرایی ، به دنبال بررسی آسیب های کارگاه نقاشی و شناسایی راهکار برای جذب و ماندن اعضای مشتاق پرداخته شد. تا با کاستن این آسیب ها گامی موثر در جهت هرچه بهتر آموزش برای اعضا به کار برد.

کلید واژه : آموزش ، کانون پرورش فکری ، کارگاه نقاشی ، اعضاء

Archive of SID

هدف کلی اقدام پژوهی:

- آشنا کردن اعضای نوجوان دختر و پسر مرکز با سبکهای بصری آکادمیک به روش های ساده .

اهداف جزئی اقدام پژوهی:

- آشنایی اعضاء با سبک های بصری
- جذب و پایدار سازی اعضاء در کارگاه های نقاشی
- اجرای برخی سبک های مناسب به منظور شرکت در مسابقات بین المللی

سوالات اقدام پژوهی:

- الف) چگونه می توانم سبک های بصری را برای اعضاء ساده کنم تا قابل درک و متناسب با گروه سنی آنان باشد ؟
- ب) با چه روش هایی می توانم اعضاء را با این تکنیک ها آشنا کنم ؟
- ج) چگونه می توانم اعضاء نوجوان را در کارگاههای نقاشی ثابت نگه دارم ؟
- د) چگونه می توانم حس جستجو گری نوجوانان را در کارگاه های نقاشی تقویت کنم ؟

گروههای مورد مطالعه:

6 دختر و 6 پسر (12 تا 16 ساله) مرکز شماره 3 اهواز

ابزار گردآوری اطلاعات:

از طریق مشاهده ، یادداشت های روزانه ، مصاحبه شفاهی با نوجوان، همکاران و والدین اعضا ، مصاحبه با اساتید هنر ، مطالعه کتابهای تخصصی و جستجو در اینترنت

بیان مساله پژوهش :

کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان با ارائه فعالیت های فرهنگی و هنری متنوع از جمله : فعالیت های فرهنگی و فعالیت های هنری در جهت رشد فکری و خلاقیت اعضای کودک و نوجوان گام های موثری را برداشته است . مدت 9 سال و 6 ماه در خدمت

کودکان و نوجوانان کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان اهواز هستیم. در سال 1388 در مجتمع فرهنگی هنری اهواز به عنوان مربی هنری مشغول به کار شدم، در شروع کار با عضو کم رو، عضو فعال، عضو کم کار، عضو های پر جنب و جوش و... مواجه شدم که طی مطالعه کتب مختلف روانشناسی کودک و نوجوان، شرکت دوره های برگزار شده از طرف کانون، همچنین ادامه تحصیل در رشته تخصصی و مرتبط با کارم تجربه های زیادی را کسب کردم.

در سال 92 در مرکز 3 اهواز فعالیت خود را ادامه دادم. مرکز 3 اهواز مرکزی کوچک است با اعضای مستعد با موقعیت اجتماعی متوسط رو به بالا. در این دو سال وضع به همان شکل خود را نشان داد، در سال اول وجهت اعضا جدید برای آموزش تکنیک های مختلف نقاشی مشکلی نداشتم. اما در سال بعد وجهت اعضا قدیمی در ارائه مطالب کارگاه های هنری دچار مشکل شدم. از وضع موجود خیلی راضی نبودم و در ذهنم این پرسش مطرح می شد که مشکل از کجاست؟ من چه اقدامی را باید انجام دهم؟ ریشه مشکل از کجاست؟ نحوه ی تدریس یا ارائه مطالب تکراری یا مناسب نبودن شیوه ی آموزش برای گروه سنی نوجوان؟!

آموزش برای اعضاء قدیمی، تکراری و کسالت آور شده بود. عضو های نوجوان حالا دیگر فکر می کردند آموزش هایی که می بینند در حد کودکان است؟ کارگاه های اعضای پیشرفته برای خود من نیز کسالت آور شده است. باید چاره ای اندیشید و با اعضای ثابت مرکز که چندین سال عضو می باشند و جویای مطالب به روز هنری هستند چه باید بکنند؟

در طول فعالیت تدریس با دو گروه نوجوان مواجه بوده ام: (1) آنهایی که تازه وارد کارگاه نقاشی می شوند که با متد و روشهای چندین ساله و سرفصل های منسجم اقدام به آموزش آنها می کنم و با آنها مشکلی ندارم. (2) اعضای که از سال گذشته تکنیک های مختلف را فرا گرفته اند و عضو ثابت کارگاه نقاشی هستند و امسال به دنبال تکنیک های جدیدی می باشند و من نمی دانم چگونه سرفصل های جدید و متناسب به آنها ارائه دهم؟

نمی خواهم کارگاه های پیوسته ام با اعضای ثابت، شکل ناخوشایند و کسالت آمیز به خود بگیرد. این وضعیت باعث دلسردی اعضا شده است. نمی دانم چگونه از تخصص کمک بگیرم؟ کارگاه های اعضای نوجوان پیشرفته برایم کسالت آمیز شده است. آیا باید در صدد آموزش شیوه های جدید هنر برای اعضای نوجوان، به روشهای ساده و مناسب با گروه سنی آنها باشم؟ آیا تکنیک های بصری می تواند برای اعضای نوجوان موثر باشد؟

علاقه این گروه از اعضای نوجوان (منظور اعضای سال گذشته) به دنیای هنر، مربی را وادار به مطالعه بیشتر و مراجعه به اینترنت می کند تا بتواند مطالب جدید را با توجه به نیاز اعضا جستجو کند. با توجه به رشته تحصیلی ام در زمینه هنر به دنبال سبک ها و تکنیک هایی بودم که در کارگاه های حرفه ای هنر، در سطح آکادمیک اجرا می شد. اما این سبک ها برای گروه سنی نوجوان بسیار مشکل بود. لذا اندیشیدم که چگونه می توانم آموزش نقاشی سبک های بصری آکادمیک را برای اعضای نوجوان (دختر و پسر) مرکز ساده تر کنم؟

مقدمه

از نظر هنرمند، نقاشی کردن یعنی کشف کردن. نقاشی کردن نه تنها ثبت مشاهدات است، بلکه از این نظر اهمیت دارد که فرد را به سوی مشاهدات بیشتر هدایت می کند. ترسیم طرح کلی، ترسیم کارتون و نقاشی کردن ایده ها، همه روش هایی هستند که با استفاده از آن ها می توان افکار را قابل دیدن کرد.

در نقاشی عناصر دیداری، سازه هایی از تصویر هستند که بار اصلی انتقال موضوع و مفهوم تصویر را به عهده دارند و به سادگی می توان آن ها را در یک تصویر درک کرد. خط، شکل (فرم)، رنگ، بافت و ترکیب بندی مهم ترین این عناصر به شمار می روند. شناخت این عناصر به نوجوان کمک می کند تا با آگاهی و تسط بیشتری کار کند.

زمانی که نوجوان مرکز این عناصر را شناخت، باید مسیر رشد و ترقی وی را در زمینه های دیگر نقاشی با سبک ها و روشهای پیشرفته تر هموار کرد.

آموزش روش های مختلف نقاشی توسط یک مربی زمانی موفق خواهد بود، که عضو آن را درک کند و لذت ببرد و باعث جذب و پایداری وی در کلاس گردد.

اهمیت این تحقیق برای من از آن روی بود که حس می کردم دیگر اعضا شور و نشاط کافی را در کلاس نقاشی ندارند، جو کارگاه کسالت آمیز بود و روشهای آموزش و تکنیک ها برای اعضا تکراری شده بود، بنابراین به دنبال کشف علت پرداختم.

زمانی که متوجه کم رنگ تر شدن حضور اعضای نوجوان سال گذشته در کارگاه سال جدید شدم به جستجوی علت پرداختم.

تحلیل و تفسیر داده های حاصل از شواهد (1)

با صحبت هایی که با همکاران، اعضا و والدین آنها انجام دادم به این نتیجه رسیدم که علت بی علاقه ای اعضا تکراری بودن روش های آموزشی و تکنیک ها بود. این بود که بدنبال چاره ای برای حل این مشکل بودم. از همکاران، اساتید، والدین و خود بچه ها کمک گرفتم.

- در اوایل تابستان زمانی که با این مسئله روبرو شدم، با مسئول مرکز و همکاران جلسه ای را ترتیب دادم و مشکلم را با آنان در میان گذاشتم. ایشان نکته های مفیدی را بیان کردند. که بسیار برایم کار آمد بود. یکی از این نکته ها آموزش سبک های پیشرفته تر برای اعضای نوجوان و دیگری جلسه توجیهی برای والدین آنها بود.

- سپس مصاحبه ای با اعضا انجام دادم و نظرات آنان را در زمینه کارگاه نقاشی و علت حضور کم رنگ آنان در کارگاه نقاشی را جویا شدم که این گفتگو ها را نیز ضبط کردم (البته با اجازه اعضا و توضیح اینکه ضبط صدا فقط به منظور دوباره شنیدن نظرات آنان است).

- با برگزاری جلسه توجیهی برای والدین این دسته از اعضا و مطرح نمودن سئوالاتی در رابطه با علائق و ویژگی های شخصیتی فرزندان شان، به نتایج خوبی دست یافتیم.

- با توجه به رشته تخصصی ام در زمینه هنر و گرافیک سعی کردم ابتدا با استفاده از کتب تخصصی هنر، مجلات مرتبط و با یادآوری کارگاه هایی که در دانشگاه برایم اجرا شده بود، چند نمونه از سبک ها و روش های پیشرفته آموزش هنر نقاشی را انتخاب کنم. همه این آموزش ها را به صورت منظم دسته بندی کردم.

- در اوایل شهریور ماه امسال با یکی از اساتید برجسته هنر تهران که در زمینه پژوهش هنر فعالیت گسترده ای دارد و در سالهای گذشته برای کانون فعالیتی انجام داده بود، مصاحبه ی تلفنی ترتیب دادم و مشکل محیط کارم را با ایشان در میان گذاشتم که راه حل های موثری را پیشنهاد دادند.

با توجه به مشاهدات ، یادداشت های روزانه و مصاحبه با والدین ، همکاران ، اساتید هنر ، اساتید روان شناس ، خود اعضا ؛ علت بی علاقه و حضور کم رنگ اعضا را در این مورد یافتیم که روش های آموزش و تکنیک ها برای اعضا تکراری و کسالت آور شده و جهت پایدار سازی اعضا باید سبک ها و روش های نو و پیشرفته تری را آموزش دهیم .

1- مشاهده وضعیت روزهای نخست کارگاه برای اعضای پیشرفته

با مشخص شدن مسأله برای خودم ، آمدن اعضای پارسال ، نبود مطالب جدید هنری و سرد شدن اعضا نسبت به کارگاه نقاشی ، شروع به جمع آوری مطالب نو و بالا بردن دانش خود کردم اما این کافی نبود . باید از همکاران ، روانشناسان ، والدین ، یادداشت هایم و خود اعضا ، یاری می گرفتیم . پس از جمع آوری پیشنهادات و مطالب جدید ، شروع به کار با اعضا کردم ، روند کارگاه به این شکل بود :

الف) بی حوصلگی اعضا نسبت به کارگاه

ب) کسالت آور بودن کارگاه هم برای خودم و اعضا به جهت نداشتن راه ها و روشهایی برای ارائه مطالب هنری

ج) با آموزش مستقیم به بن بست می رسیدم ، با نشان دادن عکسها و توضیحات سبک ها و اصطلاحات هنری ، اعضا متوجه آموزش نمی شدند.

2 - نظر اعضای نوجوان ثابت کارگاه در روزهای نخست

با اعضا نوجوان جلسه ای ترتیب دادم و دوستانه به صحبت نشستیم. حاصل این سخنان این بود :

از نظر اعضا : کارگاه بعد از دوره های 8 جلسه مقدماتی و پیشرفته ، مطالب جدیدی در قبال آنها ندارد . چیدمان فضای کارگاه کودکانه می باشد و اکثراً آثار کودکان در آن وجود دارد .

3 - نظر همکاران

جلسه ای با همکاران ترتیب دادم و مشکلم را با آنها در میان گذاشتم. مسئول مرکز با عنوان کردن اینکه در هر کارگاه هنری ، مربی وظیفه ، جذب و پایدار سازی کارگاه خودش را دارد اظهار داشتند که باید سبک هایی را آموزش دهیم که متناسب با سن اعضا باشد . یکی از پیشنهاد های ایشان برگزاری جلسه با والدین این اعضا بود . یکی از همکاران پیشنهاد کرد ساعاتی را با نوجوانان به صحبت بنشینیم و از علایق هایشان بپرسیم، مبحث رنگ شناسی را در ترکیب بندی رنگ وسایل مورد علاقه شان جویا شوم . ساعاتی را به گوش دادن موسیقی های مجاز و سنتی بپردازیم، کلیپ های تصویری درباره هنر بینیم و.... که نظرات بسیار مفیدی برای من بود .

4 - نظر والدین

مصاحبه ای با والدین اعضاء ترتیب دادم . انتظاری که از آنان داشتم این بود که بگویند هدف از راهی کردن بچه هایشان به کارگاه نقاشی چیست ؟ حصول چه نتیجه ای را از کارگاه و بچه ها انتظار دارند ؟

مادران شاغل: انتظار داشتند آموزش کارگاهها باعث یادگیری هنر و پرورش خلاقیت در آنها شود .

مادران خانه دار : مادران خانه دار انتظار داشتند که فرزندانشان نقاشی را فراگرفته طوری که بتوانند تابلو بکشند. متاسفانه هنوز در ذهن برخی والدین ، کشیدن تابلوهای بازاری توسط فرزندانشان، انتظاری است که از مربی دارند.

در این جلسه برای والدین توضیح دادم که همه ی فعالیتهای کانون در جهت رشد خلاقیت اعضاست، همچنین در رابطه با کارگاه های نقاشی توضیحاتی دادم که اعضاء می توانند این مدل تابلوها را حتی بدون رنگ و روغن و با ابزارها و روشهای دید ایجاد کنند ، که این مستلزم انجام مراحل و آموزش های مختلف هنری است . که عضو به آن برسد . در واقع پروسه منظم و آموزش های مداوم را طی کنند .

5 - نظر اساتید هنر

با یکی از اساتیدم به نام دکتر الیاس صفاران که در دهه 60 با کانون پرورش فکری همکاری داشتند به مصاحبه پرداختم ، ایشان به نکته هایی اشاره داشتند که باعث بی علاقهگی نوجوان در کارگاه نقاشی می شود و چه عواملی در ارائه مطالب نو و جدید در پایدارسازی اعضا نوجوان کمک می کند:

- در نقاشی نوجوان ، نوجوان به دنبال نشان دادن استقلال وبلوغ فکری است. مربی سعی کند به نوجوان امر و نهی نکند. در آموزش نقاشی به نوجوان مبانی و پایه را به صورت ساده بیان داشته باشید و در نتیجه او را از اهداف و سبکها باخبر سازید که بداند رسیدن به مقصد با آموزش روشهای جدید و ساده چقدر آسان است.

- در کنار نوجوان حتما فعالیت داشته باشید که وی بداند و فکر نکند ، کارگاه های نقاشی فرآیندی مانند کلاسهای مدرسه است و شما به آنها نمره می دهید.

- کارگاه نقاشی را مختص به مقوا ، قلم مو ، رنگ وو تمام ابزار های نقاشی نکنید. در کلاس از اجسام واقعی استفاده کنید.مثلاً برای آموزش برگ ، پرنده و... حتما یک نمونه واقعی در کلاس باشد . زیرا به کلاس سر زندگی ، انرژی و جذابیت برای حضور بعدی نوجوان می دهد . چه اشکال دارد وجود گل از کارگاه سفال و ساختن قسمتی از فرآیند نقاشی توسط گل باشد تا درک بصری و وجودی آن برای نوجوان تاثیر گذار باشد . زیرا کپی برداری و ترسیم بر روی کاغذ و مقوا به عنوان زمینه ای تکراری است.

- در انجام فرآیند آموزش اصلاً منتظر نتیجه ی نهایی مشابه ی نتیجه ی واقعی سبک و تکنیک نشوید ، شاید نوجوان به فرآیند جدیدی دست پیدا کند.

- هیچگاه آثار نوجوان را با نظر منفی نگاه نکنید؛ زیرا باعث سرشکستگی و از بین رفتن غرور وی ؛ و باعث عدم حضور وی در کارگاه شود .

- مسائل و غرض های نوجوان را در کارگاه راه ندهید . کار شما آموزش و کار ایشان آموختن است .
- در اجرای سبک ها ، تکنیک ها و ابزار های نقاشی بسیار موثرند. حتماً جلساتی را جهت معرفی ابزار ها ، نحوه ی استفاده و انواع تکنیک ها ی متناسب با آن سبک را آموزش دهید .
- هنگام اجرای فرآیند آموزش نقاشی با توجه به سبک ها ، حتماً تاریخچه آنها را بیان کنید.
- هنگام اجرای فرآیند آموزش نقاشی ، موسیقی متناسب با آن سبک را پیدا کنید و یا اگر نتوانستید ، حتما در کارگاه موسیقی بگذارید تا نوجوان لحظاتی از بازی با گوشی و ابزار های ارتباطی مدرن دور باشد .
- در کارگاه های نقاشی برای نوجوان ، هیچگاه از بازی و تأثر غافل نشوید . بازی بیشتر برای کودکان کار آیی دارد اما تأثر و گفتن شعر و ادبیات بیشتر با روحیه نوجوان هماهنگی دارد .
- حتما در فرآیند آموزش سبک ها سعی کنید در زمینه و بوم نوجوان تغییر و دگر گونی ایجاد کنید . وی را خارج از کارگاه و کار را بر روی دیوار ، زمین و... اجرا کنید زیرا باعث استقلال و هدفمند بودن سبک و نتیجه ی آن می شود .

6- نظر روانشناسان تربیتی

- یکی از اساتید روان شناس که در حیطه ی کودکان و نوجوانان فعالیت می کند ، دکتر بهزاد دارابی است. با شرکت در دوره آموزش مخاطب شناسی ایشان در آذر ماه 1393 مطالبی بسیار مفید و مناسب در کار با اعضای نوجوان آموختم . ایشان به نکته هایی از رفتار مربی که منجر به بی علاقه گی و کمروزی حضور نوجوان در کارگاه می شود اشاره داشتند ، از جمله :
- الف) هر تذکری ممکن است به نوجوان باعث از دست دادن وی شود باید فقط و فقط تنها با وی صحبت کرد.
- ب) در برخورد با نوجوان مچ گیری نکنید .
- ج) لطفاً برای نوجوان تصمیم گیری نکنید.
- د) جملاتی که شایستگی و علاقه بچه ها را در کارگاه بیشتر می کند : (1) همه اولش ترس دارند . (2) باید صبر کنید تا عادت کنید. (3) من هم در ابتدا بلد نبودم .
- ذ) جملاتی که شایستگی و علاقه بچه ها را از بین می برد : (1) این آخرین فرصت توست (2) زود باش . (3) اگه اشتباه کنی من کمکت نمی کنم .
- ر) از زمانی که نوجوان در حال انجام فعالیت هنری است باید فرآیند آنقدر جذاب باشد که به چند عامل منجر شود :
- (1) الهام ، خلق و تولید کند. (2) زمان متوقف ، تند و فراموش شود . (3) تفاوت با بقیه تجارب هنری احساس شود .

یافتن گزینه های نو برای آموزش

چیزی که زیاد شاهد آن هستیم حد و مرز نبودن، برای سنین مختلف است. که امروزه با پیشرفت تکنولوژی برداشته شده است. این موارد را در کانون و بخصوص در بین نوجوانان در هر زمینه ای که فکرش را کنیم شاهد هستیم. همیشه وجود یه راه و روش شاید بنا بر شرایطی در یک برهه زمانی پاسخگو باشد، اما آیا بعد ها تکرار آن روشها میتواند پاسخگوی نیاز ما باشد یا خیر؟ با توجه به وجود کتاب کار نقاشی؛ که زمانی پاسخگوی تدریس من و آموزش به اعضا بود، حال باید چه می کردم؟ کارگاه ها هم برای من وهم برای اعضا کسالت آور شده بود و باعث از دست دادن آنها شد، باید به دنبال راه حلی باشم.

سبک هایی که در دانشگاه تدریس می شد، تخصصی بود. بر آن شدم که چگونه باید آنها را با شیوه های جدیدی ساده کنم که متناسب با گروه سنی نوجوان باشند.

با توجه به روحیه گروه سنی اعضای مورد نظر، چند سبک را انتخاب کردم، سعی کردم تا آنها را با شیوه های نوین و ساده به اعضا آموزش دهم:

1) سبک کوبیسم

1-1 مکتب هنری کوبیسم که با نام "پاپلو پیکاسو" و "ژرژ براک" پیوند خورده است. در تلاش بودند تا ذهنیت خود را از اشیا و موجودات به صورت اشکال هندسی بیان کنند. کوبیسم از راه نوعی هندسه به تجرید می رسد. پیکاسو با ابداع شیوه نوینی به نام (کلاژ) یه اصطلاح فرانسوی به معنای "تکه چسبانی" بود. روشی در این سبک فراهم کرد.

در ابتدای تابستان با انتخاب این سبک کارگاه جدیدی را با اعضای سال گذشته شروع کردم. در ابتدای کارگاه به توضیح سبک می پردازم: بچه های گلم "سبک" یا شیوه به معنی نمایش ظاهری اثر هنری است در واقع اون طوری که اثر و شکلها به نظر می آیند. مثلا در یک تابلو شکلها واقعی یا تخیلی یا ساده و... هستند. شما تا حالا با گواش و تکنیک های اون کار کردین، یا پاستل، مداد رنگ و..... اما میخوایم با این تکنیک ها کار جالبی انجام بدیم.

امروز یه کار جدید میخوایم انجام بدیم (از قبل تصاویری از منظره، چهره، به صورت واقعی و بدون ارتباط با سبک مورد نظر) به صورت سیاه و سفید تهیه میکنم) تصاویر را در اختیارشان قرار می دهم سپس میگم: خانوما این تصاویر شکل واقعی و یه ترکیب بندی مشخص داره، درسته؟ و جواب می دهند: بله. سپس میخوایم با مداد و خط کش آنها را به سطوح هندسی مختلف تقسیم کنند. بعد که کارشونو انجام دادند با قیچی یا کاتر میخوایم آنها را ببرند و تکه های تصویر فعلا سر جایشان باشد، پس از برش ها، اون تیکه هارا با هر شکلی میخوانند جابه جا کنند. بچه ها با تعجب میگن یعنی تکه ها را جا به جا کنیم و شکلش بهم میخوره؟ جواب میدم اشکال نداره (طبق مشاهده و یادداشت روزانه ام: اعضا با تعجب به هم نگاه میکنند ولی با اعتماد به نفس این کار را انجام میدهند دوتا از اعضا با هر بار جا به جا کردن تکه ها نگاه میکنند. با توجه به حرف اساتیدم در کنار آنها منم در حال انجام کار هستم و به این مرحله منم کار خودم را انجام میدهم در واقع غیر مستقیم به آنها یاد میدهم منم ترسی از انجامش ندارم.) با انجام دادن کارهایشان و تغییر تکه های عکس توضیح میدم بچه ها با این روش شما امروز سبک کوبیسم در نقاشی را یاد گرفتید و برایشان توضیح میدهم که چه سبکی است و چه ویژگی دارد. آنها از اسم و روش آن کاملا هیجان زده و متعجب هستند. سپس تصاویری از این سبک را که توسط هنرمندان غربی و حتی هنرمندان ایرانی اقدام به نمایشگاه کردند و آنان را جمع آوری کردم نشانشان میدهم و با هر تصویر ویژگی ها و نوع کار را توضیح میدهم. با مشاهده رفتاری اعضا میبینم بسیار ذوق دارند و خوشحال هستند.

وقتی پرسیدم از سبک خوششان آمده همه اظهار داشتند همین؟ تمام شد؟ و همین بود؟ بچه ها شما میتوانید با تصاویر رنگی و موضوعات دیگه کارای جالب تری انجام بدهید. در جلسات بعد اعضاء با تصاویر رنگی جا به جایی های زیبایی را انجام دادند. اما (پس باید به فکر راه دیگه ای باشم آنها سبک را یاد گرفتند اما چالش اجرای آن آسان بود پس باید آنها را بیشتر درگیر اجرا کنم؟ با مشورت همکاران روش دیگری را انتخاب کردم)

1-2 به فکر فرو رفتم چه روشهای دیگری را می توانم در ارتباط با آموزش سبک کوبیسم برای نوجوان به صورت ساده اما جذاب تر ارایه دهم؟ البته تصاویری را که از این سبک قبلا نشانشان داده بودم، تصاویر آثار هنرمندان که با نقاشی این سبک را انجام داده بودند، بنا براین تصمیم گرفتم این جلسه اثر را خودشان خلق کنند به این ترتیب:

در جلسه ای دیگر، موضوع چهره را که قبلا آموزش دیده بودند به شکل واقعی، یک چهره را با اصول، طراحی کردند.

سپس خواستم آن را با گواش رنگ بزنند (نوجوانان سال قبل تکنیک های مختلف نقاشی را از قبل آموزش دیدند). با این حال رنگ هایی که خواستند استفاده کنند را آزاد گذاشتم و گفتم هر کس هر طور مایل است رنگ بزند. برایشان رنگ زدن چهره بسیار جذاب بود.

(در این جلسه درگیری اعضاء با موضوع و سبک بیشتر شد.)

سپس خواستم کارشان را به سطوح هندسی مختلف تقسیم کنند، (قبل از جا به جایی تکه های نقاشی خواستم فکرشان را با کار درگیر کنم) بنا براین پرسیدم: بچه ها حالا فکر میکنید چطور میتونید کار را مفهومی تر و خلاصه تر کنید؟ چه فکر جالبی برای اون دارید؟ اعضا کمی فکر کردند و سپس جواب های مختلفی دادند: یکی گفت با وسایل دور ریختنی، یکی گفت با تصاویر رنگی، یکی گفت بقیه شکل را خودمون بکشیم و رنگ بزنیم.

در آن جلسه با تصاویری از سالنامه سال قبل اعضا تکه های بریده را روی تصویر مورد نظر گذاشتند و آن تکه را بریدند و جای قسمتی از نقاشی قرار دادند و ایده کشیدن قسمتهایی از نقاشی را، در همین جلسات انجام دادند.

اعضاء نسبت به جلسه گذشته بسیار شاد و به کارگاه جذب شدند...

اقدام انجام گرفته مورد ارزشیابی همکاران قرار گرفت و این نتیجه حاصل شد عمل جدید مناسب بوده است.

همچنین از آنها خواستم چه ایده دیگری را در تکه چسبانی با این روش دارند؟ (با توجه به انواع کوبیسم در واقع تکه چسبانی ها، هم آموزش غیر مستقیم برای آنها بود)

اعضاء بسیار هیجان زده و به فکر کارهای جالبی در جلسات آینده شدند. عنوان کردم بچه های گلم این شیوه و سبک را شما با موضوعات مختلف میتوانید انجام دهید. و کار های جالبی می شود. اعضاء تا چندین جلسه کار های جالبی انجام میدادند.

2) سبک اکسپرسیونیسم

هدف اصلی این مکتب نمایش درونی بشر، مخصوصاً عواطفی چون ترس، نفرت، عشق و اضطراب بود. به عبارت دیگر اکسپرسیونیسم شیوه ای نوین از بیان تجسمی است که در آن هنرمند برای القای هیجانات شدید خود از رنگ های تند و اشکال کج و معوج و

خطوط زمخت بهره می گیرد. اکسپرسیونیسم به نوعی اغراق در رنگها و شکلهاست، شیوه ای عاری از طبیعت گرایی که می خواست حالات عاطفی را هرچه روشنتر و صریح تر بیان نماید.

چندین جلسه با روشهایی که ذکر شد اعضاء به کارگاه آمدن.

در جلسه ای دیگر بعد از سلام و احوالپرسی در باره موسیقی میپرسم : بچه ها شما چه آهنگ هایی رو بیشتر دوست دارید؟ اعضاء نام چند خواننده را میگویند . میپرسم بچه ها وقتی آهنگ شاد گوش میدین یا غمگین دوست دارین چکاری انجام بدید ؟ و جوابای مختلفی مثل : دراز کشیدن ، گریه کردن ، رقصیدن ووووو میپرسم یعنی کار هنری مثل نقاشی ، سفالگری ، کاردستی دوست ندارین ؟؟؟ همون لحظه یه آهنگ بی کلام آرام پخش میکنم از آنها می خواهم چشمهایشان را ببندند و فقط فکر کنند الان کجا هستند ؟ چه کاری دوست دارند انجام بدن ؟ کنار چه کسی باشند ؟ بعد از 10 دقیقه میخوام چشمهایشان را باز کنند و توضیح دهند . نوجوانان حس آرامشی گرفتند و این کار در کلاس نقاشی تعجب آور بود . هر کسی جواب های مختلفی مثل : کنار مادرم ، دست در دست دوستم ، تنهایی ، قدم در جنگل ، قدم در دشت ، پاها در آب و..... را تصور کردند و آنگاه دوباره خواهش کردم چشمهایشان را ببندند و موسیقی بی کلام تند و هیجانی پخش کردم . همه اخم کردند و چشمهایشان را باز کردند . انگار موسیقی به شدت تند بود بنابراین رویه را عوض کردم و موسیقی آرام تری اما تندی را پخش کردم همه چشمها بسته و سر و دستانشان را تکان میدادند . به 10 دقیقه نرسید خسته شدند و چشمهایشان را باز کردند . آنها اظهار داشتند نمیتوانند همینطور بی حرکت و ساده سر جایشان بنشینند. و میگفتن دوست داشتند حرکتی کنند ، ورزش کنند ، دستهایشان را تکان بدهند . بنابراین در آن لحظه مقوا و رنگها و قلموهایی که حاضر کردم را بهشان دادم و گفتم یک بار دیگر آهنگ را پخش خواهم کرد.

ابتدا موضوعی را انتخاب کنید سپس با پخش آهنگ آن موضوع را با خطوط رنگی کامل کنید و رنگ کنید ببینید چه حسی بهتون دست میده ، ممکنه خطوط نا منظم و در جهات مختلف باشه . اعضاء ابتدا موضوعی را پیدا کردند ، سپس چند رنگ را آماده کردند ، موسیقی را پخش کردم ، چند دقیقه ای گوش دادند و سپس شروع به رنگ زدن های تند کردند .

مدام تکرار میکردم بچه ها در حال خود نباشید به چیزی فکر نکنید به احساستون و موضوع و سریع کار کردن تمرکز کنید . بچه ها ، با خشونت و سریع مثل هنرمندای بزرگ قلموهاتونو روی کاغذ بکشین . خلاصه در انتها اعضاء کارای جالبی انجام دادند . اما نتیجه عمل ها برای بعضی از اعضاء اجرای سبک امپرسیونیسم شد که نقطه های رنگی ایجاد کردند . البته این ناخواسته بوده ، و در انتهای کار هم متوجه شدند ، فکر کردم نحوه آموزش من اینجا درست نبوده ، باید ابتدا سبک امپرسیونیسم را توضیح میدادم و سپس این سبک را . اما آثار اعضاء زیبا و جالب شده بود ولی از آموزشم راضی نبودم . به خاطر اینکه آنها گیج نشوند سعی میکردم با عکس و فیلم آن را بیشتر نشان دهم و هدف خود را برایشان توضیح دهم .

اعضاء بسیار خوششان آمد و در جلسات بعد موسیقی هارا خود تهیه میکردند. در جلسات بعد با اجراهای دیگر و درک آنها از این سبک آثار متناسبی را انجام دادند و رضایت بخش بود .

اقدام انجام گرفته مورد ارزشیابی همکاران قرار گرفت و این نتیجه حاصل شد عمل جدید مناسب بوده است .

امپرسیونیسم در لغت به معنای ، دریافت آنی، یا دریافت حسی است . در این سبک نقاشان از ضربات «شکسته» و کوتاه قلم مو آغشته به رنگ های خالص و نامخلوط به جای ترکیب های ظریف رنگها استفاده می کنند.

چندین جلسه طول کشید تا بچه ها با سبک اکسپرسیونیسم آشنا شوند و کار های زیبایی انجام دهند . تا اینکه در جلسه ای عنوان کردم بچه ها امروز به کار جدید می خواهیم انجام بدیم. اما قبلش میخوام بدونم یادتون است قبلا از رنگ های سرد و گرم گفتم . و دوباره جهت یاد آوری آنها را با اعضاء مرور میکنیم. اول رنگ های درجه اول : زرد ، آبی ، قرمز بعد رنگهای درجه دوم: بنفش ، سبز ، نارنجی را که از ترکیب رنگ های درجه اول ایجاد میشوند را توضیح میدهم. سپس از قانون رنگ های مکمل می گویم که در مقابل آبی: نارنجی ، و در مقابل زرد: بنفش ، در مقابل سبز: قرمز قرار دارد . این مکمل هارا در طبیعت نشانشان میدهم.سپس از رنگ های سرد و گرم هم می گویم که کار های زیبایی می توان انجام داد.

آنگاه با کنار هم قرار دادن دو مقوای 100 در 70 و چسباندن آنها کنار هم به زمینه ی 100در 140 ایجاد می شود . به اعضاء می گویم امروز هم به سوپرایز دیگه ای براتون دارم ،مقوا را در روی زمین میگذارم به اعضاء میگویم این به کار گروهیه .

اول مشورت کنید و بگویید که چه موضوعی را می خواهید کار کنید ؟ بچه ها بعد از کمی فکر : به گلدان گل .

آنگاه می گویم آن را بزرگ بر روی این مقوا بکشید ؛ آنها هیجان زده اند زیرا تا به حال چنین کاری را انجام نداده بودند. سپس با طراحی و بزرگ کشیدن بر روی مقوا می گویم ؛ خوب بچه ها برای گلدان ، رنگهای سرد را به کار ببرید و برای خود گلهاتون ، که جلوه ی بیشتری داشته باشد رنگ های گرم را به کار ببرید . ابتدا خودتان رنگ ها را در این بشقاب ها زیاد درست کنید . آنها هنوز متعجب هستند که چه کاری قرار است انجام دهیم؟؟؟؟ (در حین ساختن رنگ ها نمی توانند جلوی خود را بگیرند و می گویند : خانم مگه دستای غول می خواد این کارو انجام بده ؟ خانم یعنی باید همین طرح رو با رنگای گرم و سرد با قلمو رنگ بزینم ؟ همین؟؟.....(خیلی خندم میگیره اما فقط لبخند میزنم یاد نوجوونی پر شو شور خودم میوفتم ، چقدر عجولن.....).)

خلاصه با آماده شدن همه وسایل و رنگ ها آنها را روی زمین میگذارم و میگم خوب بچه ها حالا وقتش شده تا سوپرایزمو بهتون بگم ::: میخوام خیلی راحت و هر طور دوست دارین با کفشاتون ،داخل رنگ بزیند و بعد اونو روی کاغذ چاپ کنید (بچه ها متعجب و با ابروهای بالا اوفتاده خیلی جالب به نظرشون اومده) توضیح میدم بدنه ی گلدان قرار شد با رنگ های سرد و خود گلها تون رنگ های گرم باشد .

بچه ها کف کفشاتون همون قلمو میتونه باشه ، به این صورت که بازم این خودتونید که کنترل گذاشتن رنگ ها رو دارید ؛ فقط نوعی بازیه و هم کار بزرگی که تا به حال انجام ندادین البته با این تفاوت که باید وقتی کفش رنگیتونو روی مقوا میگذارید با کنار هم گذاشتن کفش ها ؛ مثلا : با گذاشتن کفش رنگ زرد و بعد با گذاشتن کفش آبی به رنگ سبز دست پیدا کنید و شما فقط با رنگ های درجه یک میتونید رنگ های درجه دوم رو به دست بیارید .

پس باید فکر، تو، کارتون باشه که رنگ رو چطور میخواین تو کار بذارید و دو نفر حتما کارگردانی کنه که کدوم قسمت طرح باید تیره تر باشه و کدوم قسمت باید روشن تر باشه ؟ از کدوم قسمت رنگ رو بذارید تا کار زیبا تر بشه ؟ کجا رنگ روشن زده بشه و کجا رنگ دومی را بگذارید تا رنگ جدید ساخته بشه ؟ چطوری باید رنگ سبز روشن یا تیره روی کار ایجاد کنید ؟ یا چگونه رنگ نارنجی و درجات آن را درست کنید .

پس شما قراره با کفش هاتون به جای قلمو ، ضربه هایی با رنگ های درجه اول بذارید ؛ اما گذاشتن کف کفشاتون مهمه که چطوری میخواین قرار بگیره ؟ کف کفشی که جالب تره انتخاب کنید . اگه خسته شدین ، میتونید کفش رو تو دستتون بگیرید . و زیاد نگران نباشید راحت کار کنید .

اعضاء دو ساعت مشغول کار شدن و با حساسیت زیاد کار را انجام دادند . این یکی از اجرا های سبک ها بود ؛ که به شدت هیجان زده و جالب و قشنگ به نظرشون اومد این یک کار گروهی بود که اعضاء را به شدت بهم نزدیک کرد ، به طوری که این روابط خارج کانون هم ادامه داشت .

در حین اجرا برای اعضاء کمی سخت بود که رنگ های درجه اول را بگذارند تا رنگ جدید را ایجاد کنند . بنابراین با سردرگمی اعضاء و خودم در حین کار ، که الان چکار کنم و چه روشی را بگویم و حرف اول کارگامم، انتخاب و گذاشتن رنگ های درجه ی اول بود حال باید چه میکردم.؟؟؟

پیشنهاد دادم با مربیان دیگر هم صحبت کنیم . (در واقع می خواستم از آنان هم کمک بگیرم و همچنین اعضاء ببینند کار گروهی آنان شامل مربی هم است که چگونه با مربی های دیگر در تعامل می باشد .) با آمدن همکاران دیگر و گفتن اینکه در هنر هیچ محدودیتی نیست و شاید آزمایش این کار که رنگ هایی هم خودمان بسازیم کار را جالب تر میکند .

کمی آرامش گرفتم . من هم مثل اعضاء اولین باری بود که داشتیم این روش را دنبال می کردیم . بنابراین با پیشنهاد همکاران از شکست در اجرای این آموزش جلوگیری شد و اعضاء مشتاقانه کار را انجام دادند .

بچه ها شروع به ساختن رنگ های دیگر کردند .

بعد از اتمام کار ، وقتی نشد برای اعضاء سبک را توضیح دهم .

در جلسه بعد سبک را توضیح دادم و عکس های مربوط به آن را نشان دادم و گفتم میخواستم کار شما تفاوتی با این سبک داشته باشد . و شما میتونید همین ترکیب رنگ را با قلمو هم داشته باشید . هنرمندان این سبک در واقع هدفشان از انتخاب رنگ های درجه یک ، خالص و ناب بودن رنگ بود البته بعد ها با روشها و ترکیب رنگ های مختلفی این سبک ادامه پیدا کرد . در این جلسه بیشتر آثار هنرمندان را نشان دادم و خواستار شدم با قلمو هم این کار را انجام دهند اما این سبک با سبک اکسپرسیونیسم متفاوت است : آنجا قلمو را بر زمینه کار میکشیم اینجا با قلمو ضربه میزنیم و ضربه هایی که کنار هم قرار میگیرند .

بنابراین با ضربه های کفش این هم روشی جدید برای اجرای اون بود که انتخاب کردم . بچه ها چه پیشنهاد دیگه ای دارید ، که ضربه های رنگیتونو غیر از قلمو ، با چه ابزاری دیگه ای انجام بدید ؟؟؟؟ یا با همون کفش چه راه و روش دیگه ای برای اجراش دارید ؟؟؟؟

بچه ها جواب دادند : میتونیم با وسایل برجسته و دور ریز این کار ها را انجام بدهیم ؛ میتونیم با کف های مختلف کفش ها آن را اجرا کنیم ؛ میتونیم به جای رنگ های درجه اول ، خودمان رنگ هایی را بسازیم چون در جلسه گذشته کار کمی سخت شده بود .

با اینکه همه اعضاء از اثر عکس گرفتند اما در جلسه ی بعد با والدین خود آمدن و والدین با دیدن این کار بسیار خوشحال و راضی از کانون و مربیان شدند که اوقات فراغت فرزندانشان به کار های زیبا و تاثیر گذار در روحیه شان تبدیل شده است.

اعضاء هر بار کارهای جالبی را انجام دادند. شاید اجرای این سبک و تاثیر در پایدارسازیشان یک ماه بیشتر به طول انجامید. اعضای کارگاه های دیگر هم بسیار مشتاق شدند و خواستار اجرای این سبک شدند و برایشان توضیح دادم:

این اعضا چند سال است به کارگاه می آیند و پیش زمینه ی ذهنی از انجام تکنیک ها و روش های نقاشی دارند و هدف از این کارگاه ها شناختن آنها از انواع سبک ها است. می توانم ببینم و فقط جهت شادی شما و جذابیت کارگاه این کارها را انجام دهیم اما در پس این کار اهدافی از جمله آشنایی نوجوانان با دنیای بیشتر هنر است (و البته هدف دیگر آموزش سبک هایی که آنها از کارگاه خسته شده بودند و به دنبال مطالب جدید تری بودند. البته با روشهای متناسب با گروه سنی شان. این نظر را به آنها نگفتم)

توضیح دادم آنها قبلا رنگ های گرم و سرد را در نقاشی هایی با موضوع موزاییک کاری در نقاشی انجام دادند. و آگاهی دارند که الان چگونه باید رنگ را بر صفحه بگذارند. انواع تکنیک های گواش، پاستل، چاپ ها و..... را فرا گرفتند و الان در حال اجرای کارهایی هستند جدی و متنوع تر.

توضیح دادم که اعضا را نمیکنم و اجرای کارها و تکنیک هایم پیوسته و با هدف است فقط شما بیایید من در خدمتم.

اقدام انجام گرفته مورد ارزشیابی همکاران قرار گرفت و این نتیجه حاصل شد عمل جدید مناسب بوده است.

4) سبک آبستره

1-4 نقاشی آبستره یک سبک هنری آزاد، گیرا و بدون مرز است. مفهوم چنین آثاری صرفا به تفسیر تماشاگر از آن ها بستگی دارد. هنر مجرد، یا هنر انتزاعی (آبستره) به هنری اطلاق می شود که هیچ صورت یا شکل طبیعی در جهان در آن قابل شناسایی نیست و فقط از رنگ و فرم های تمثیلی و غیر طبیعی برای بیان مفاهیم خود بهره می گیرد.

بچه ها در این چند ماه با اصطلاح سبک، شوخی هایی برایم داشتند. و هر بار میگویند خوب خانوم نوروزی دیگه چه سبک هایی میخوانی یادمون بدین؟ وقتی میدیدم بچه ها با روشهایی که یاد دادم، خواهان مطالب هنری جدید هستند؛ منم در وجودم ذوقی به پا میشد.

بعد از چند ماه و آموزش سبک های بصری مختلف در صدد آموزش سبک آبستره شدم.

در جلسه ای، همه اعضا حضور داشتند، عنوان کردم بچه های گلم، شما تا حالا هر چیزی رو میدید، نقاشی یا طراحی می کردین درسته؟ خوب امروز قراره به جای تصویر واقعی یه شکل یا موضوع، شکل خلاصه شده اش را نقاشی میکنید. اما چطور؟

یه هنرمندایی هستند برای تصاویر، شکلهای ساده هندسی به کار میبرن، به عبارتی بسیار خلاصه میکنند که شکل واقعی اون تصویر از بین میره و فقط یه سطح هندسیه.

مثلا: به جای گل ممکنه فقط یه دایره با یه خط باشه. اما مهم در کادر ترکیب بندیه. بچه ها قبلا ترکیب بندی رو گفتم کی یادش؟ بله یعنی در کادر و زمینه، شکلها و هر چی که تو کادره جای مناسبی قرار بگیره تا زیباتر بشه.

چند تا تصویر از کارای هنرمندان این سبک را نشان بچه ها دادم . از آنها خواستم موضوعی را پیدا کنند و تصاویر آن را به سطوح هندسی تبدیل کنند . (اعضاء این کار را انجام دادند . اما با بی حوصلگی و با بی علافتگی) کار که تمام شد پرسیدم نظرتون چیه ؟ یکی از اعضاء جواب داد که هدفمون از این کار چیه ؟ و خودمم لحظاتی به نتیجه اثر فکر کردم ، با این مشکل مواجه شدم که هدف چیه ؟ (وقتی دوباره خواستم کار را انجام دهند بچه ها کاملا بی علاقه و نمی خواستند آن را انجام دهند.) نمی دانستم آیا سبک برای اعضاء زیادی سنگین بود یا اینکه من نتوانستم درست آموزش بدهم ؟

فکر کردم دانش خود را بالا ببرم و دوباره این مبحث را با اطلاعات بیشتری تدریس کنم تا ببینم مشکل از کجاست .

4-2 بنابراین در جلسه بعد با کمک اینترنت ، سایت معتبر را <http://persiangfx.com/fa/gfx/articles/abstract/>

را پیدا کردم که مطالب مفید و ارزنده ای را همراه با تعریف و تصاویر سبک نشان می داد . به کمک کتابهای تخصصی ام و یاد آوری یه سری مطالب ، تصاویر مفیدی را دسته بندی کردم . در جلسه بعد با عنوان کردن هنر مدرن و جدید که شامل تصاویر و شکلهای جدید و نو و خلاصه ای است و ما در تمام زندگی روزمره با آن مواجه ایم ذهن نوجوانان را به کاغذ دیواری های ساده و خطی ، رنگ های ساده و شیک مبلمان ها ، پرده ها و..... معطوف کردم و با یاد آوری کاغذ دیواری های اتاق یکی از اعضاء بچه ها بیشتر با مفهوم هنر مدرن آشنا شدن .

بنا براین با توضیح اساس هنر تجریدی (آبستره) در حقیقت این اعتقاد است که ارزش های جهانشناختی در رنگ و شکل خلاصه می شود و به طور کلی ربطی به مضمون نقاشی یا پیکره سازی ندارد (نقاشی می تواند ترکیبی از خطوط افقی و عمودی و سطوح یک دست رنگی باشد لزوم داشتن شکل مشخص و همه فهمی نیست) . بنا براین به آنها یاد دادم دکوراسیون منازل جدید از همین سبک استفاده می کنند .

از اعضاء خواستم برای کاغذ دیواری طرحی : از طرح های شیک ، مدرن و ساده و رنگ های جذاب و محدود به رنگ هایی از همان خانواده طراحی کنند . آنها در صفحه شروع به طرح زدن کردند . از سطوح هندسی رنگی و خطوط مختلف استفاده کردند .

(با بالا بردن دانش و اطلاعاتم بازم اعضاء نتوانستند کار های جالبی انجام دهند. اینبار متوجه شدم این سبک متناسب گروه سنی آنها نیست . بنابراین در جلسات بعد این سبک را ادامه ندادیم .)

اما همین خلاصه سازی باعث شد روش دیگری را یاد شان دهم. آرم سازی با سطوح هندسی . آرم سازی سبک نیست اما تا حدودی متناسب با این سبک بود ولی به شیوه ای دیگر.

4-3 در جلسه ی دیگه توضیح دادم آرم به مشخصه یه کالا یه شرکت میگن . مثلا تا حالا به آرم استاندارد دقت کردین چقدر ساده ان . علائم راهنمایی و رانندگی چطور تا حالا دیدین ؟ و جواب میدن : بله تو خیابونا دیدن .

با مقوای سیاه میخوامم دایره ، مربع و مثلث را ایجاد کنند. سپس یک شرکت را انتخاب می کنند . بعد توضیح میدم شکلهایی که میخوانند بکشند حتما در ارتباط با اون طرح باشه . با مشخص شدن موضوع های ؛ شرکت گل و گیاه ، شرکت حمل و نقل ، گروه پسر ها روی شکلهای بریده شده تصاویری را ایجاد کردند. گروه دخترها : روی مقوای مربع مانند آرم را میکشیدند و رنگ می زدند . (بازم متوجه شدم اعضاء اصلا نمی توانند با خلاصه کردن ، ارتباط برقرار کنند و باز هم شکلهایی را روی مربع یا دایره میکشیدند و می بردند. این نشان میداد ، گروه سنی آنها از درک این سبک عاجز هستند . شاید با توجه به گروه سنی شان این عمل طبیعی بود .) نمیدانم .

دخترها دوست داشتند زمینه را رنگ بزنند

اعضاء با این روش کمی کنار آمدن اما پاسخویی برای خلاصه کردن نداشتند. آنها نمیتوانستند، شکل‌های واقعی را از فرم خود خارج کنند. هدفم اجرا شد اما نه اجرایی که می خواستم.

5) سبک کانسیچوآل آرت

باید گفت که هر اثر هنری باید دارای مفهوم باشد. مفهومی که فرای ظاهر و صورت اثر بوده و ارائه معنا می کند. القای معنا در هنر مفهومی ممکن است شخصی باشد، چه برای هنرمند و چه برای مخاطب و چه در عنوان اثر و چه در ارائه آن.

با آموزش های انجام شده به اعضاء، در کارگاه نقاشی و با توجه به حرف های اساتیدم درباره ی آموزش های غیر کارگاه جهت فضایی شادتر برای نوجوان، بر آن شدم که اجرای سبکی را متناسب با فضای خارج کارگاه و کانون انجام دهم. با موضوع روز بیابان زدایی و کنار پارک کانون و نبود پوشش مناسب گیاهی در پارک؛ به فکر هنر کانسیچوآل آرت شدم: هنر مفهومی که در پس آن معنایی باشد.

در جلسه ای با عنوان کردن اینکه بچه ها اگر امروزه به فکر زمین های خشک و بی علف اطرافمان نباشیم ممکنه اتفاق هایی بیوفته که همه زندگی مارو تحت تاثیر قرار بده. میتونید چند تا از اون اتفاق ها رو نام ببرید؟ اعضاء جواب میدهند: شدید شدن نور خورشید، خشکسالی، کم آبی، بیماری و.....

خب، همه اینایی که گفتین مسئولش هم خودمونیم، هم مسئولین. اما وظیفه ما هنرمندان چیه باید دست رو دست بذاریم. به نظرتون چه کاری از دست ما بر میاد؟؟؟ جواب میدن: اطلاع رسانی کنیم، نقاشی بکشیم و.....

بچه ها اول میخوام هر کس، هر شکلی از درخت که دوست داره طراحی کنه. بچه ها این کار را انجام میدهند. بعد توضیح میدم ما هنری داریم که فکرها و حرفهایمان را با نقاشی عنوان میکنیم و اون هنر مفهومیه.

بخاطر اعتراض و بیان جاودانگی این کار، بیاین با درختاتون تو پارک بریم و هرکس درختشو مثل پلاکارت دستش میگیره و شعرهایی در باره حفظ زمین میگه موافقین با آنها به پارک کناری رفتیم آنها قسمتهای زیادی که خشک بودند را انتخاب کردند اعضاء شعر میدادن و شعر میخواندن، البته از قبل با هماهنگی پارک و مسئول مرکز گلدانها و نهال گل ناز هم برای کاشتن بردیم. (با هدف اونا رو اونجا بردم. میتونستم از اول قصد و نیتم را بگویم اما میگذازم چالش فکر کردن داشته باشند و به عمق مطلب پی ببرند)

بعدش که شعر خوندن و گلها را کاشتن از اونا پرسیدم بچه ها حالا تا اینجا اومدین به نظرتون با این نقاشی ها چکار کنیم؟ میخواین همینجا بکاریمشون؟؟ البته باید دلیلی داشته باشیم کی میتونه بگه؟ یکی گفت تا زمین فکر کنه به یادشیم، ما نمیتونیم چیزی بسازیم این کوچیکترین کاره، تا زمینو قشنگ تر کنیم.

اعضاء در انتها بسیار خوشحال در اجرای این سبک شدند. البته پسرها کمتر علاقه مند به شنیدن مطالب مربوط بودند. در اجرای کار به خاطر خروج از مرکز همه کانون علاقه مند به آمدن شدند. و خیلی ها دوست داشتند درخت طراحی کنند و رنگ بزنند. اینقدر همه چی هیجانی و پر شور شد دیگه حد و مرزی برای پارسالی ها و امسالی ها قرار ندادم.

انجام فعالیت های جذاب جهت پایدار سازی اعضای مستعد سال گذشته :

- در هر ماه یک بار ، اعضاء را خارج از فضای کانون جهت آشنایی با هنر های مختلف و فعالیت های مختلف هنری ، می بردم .
- یکی از این فعالیت ها اجرای کارگاهی برای سبک کانسپ چوآل آرت بود . (که قبلا شرح آن توضیح داده شده است .)
- بازدید از موزه هنرهای معاصر اهواز و دیدن آثار هنرمندان یکی از این بازدید ها بود . همین امر پرسش هایی در ذهن نوجوان ایجاد میکرد. در واقع بازدید از موزه و دیدن آثار هنرمندان با سبک های مختلف ، به این دلیل بود تا ذهن نوجوان را از لحاظ موضوع ، اجرای کار ، تکنیک ، سبک مورد استفاده ، رنگ ها و به چالش بکشد .
- بازدید از خانه صنایع دستی اهواز و آشنایی با هنر های بومی و مردمی نیز یکی از این برنامه ها بود. تاکید به دیدن نوع فرم ، رنگ ها ، طرح ها و نقاشی های موجود به نوجوانان باعث شد تا اعضا این تکنیک ها را در کارگاه نقاشی اجرا کنند.
- حضور در کارگاه یک روزه نقاشی در مراکز دیگر کانون پرورش فکری جهت ، جا به جایی مکانی و جذاب تر شدن کارگاه برای نوجوان بود .

گرد آوری اطلاعات برای ارزیابی (شواهد 2)

با شروع آموزش هایم به نوجوانان مستعد به خیلی از مسائل از جمله : (چگونگی آموزش سبک های بصری متناسب با گروه سنی و ساده کردن آنها ، سنگینی سبک ها ، بی علاقه گی اعضا نوجوان ، انتظارات والدین ، جذاب و جالب بودن برخی آموزش ها ، چگونگی تدریس و ...) مواجه بوده ام و سعی میکردم با صحبت با خود اعضاء ، اساتیدم ، همکاران مرکز و مسئولین نهاد به دنبال راه حل باشم. بعد از چند ماه از اجرای فعالیتها و آموزش هایم برای نوجوانان سال گذشته به نکاتی دست پیدا کردم : خوبی آموزش های سبک های بصری با روش های ساده برای نوجوانان مستعد این بود که آن سبک را در یک جلسه تمام نمی کردیم. اگر آموزش سبک با مشکلی مواجه می شد اعضا نوجوان سعی می کردند خود مشکل را حل کنند

گاهی در ادامه اجرای سبک ، نوجوانان با روش هایی کاملاً نو و با خلاقیت خود آن را اجرا می کردند که این بسیار برای اعضاء جالب و دوست داشتنی بود ،

بعد از گذشت چند ماه از کارگاه نقاشی ، اعضا نوجوان هنوز هم با علاقه به کارگاه می آیند و آموزش ها را دنبال میکنند و من هنوز به دنبال روش های جدید برای آموزش می باشم. خوشحالم که توانستم اعضا نوجوانان سال گذشته را در کارگاه پایدار و جذب کنم و دیگر اعضا نوجوانان مرکز نیز علاقه مند به کارگاه های نقاشی شده اند و تمایل دارند تکنیک ها و کارهای مربوط به آموزش های مقدماتی را هر چه سریعتر فرا گیرند تا بتوانند به این آموزش های جذاب برسند .

با مصاحبه دوباره از والدین ، خود اعضاء و همکاران نتیجه ی گرد آوری شواهد (2) بدین صورت است :

اعضای نوجوان : - با گذشت چند ماه نوجوانان به کارگاه جذب شدند و مستعد آموختن مطالب جدید هستند. با صحبت با آنان متوجه شدم بیشتر علاقه مندی و جذبشان در کارگاه ، آزادی عملی بود که امسال در کارگاه و کار در خارج از کانون داشتند .

- آموختن مطالب جدید و اجرای فعالیت های نقاشی با سبک های جدید باعث متمایز بودن کارگاه ها از کلاس نقاشی اعضا کودک شده بود.

- نوجوانان اظهار داشتند ؛ کارگاه امسال حکم کلاس اجباری ندارد و این باعث حضور بیشتر آنها در کلاس شده بود .

- استرس نداشتن از اینکه اگر کارشان در یک جلسه تمام نمی شد می توانستند در جلسه بعدی کارشان را به اتمام برسانند و مجبور نبودند ادامه کار را در خانه و به تنهایی انجام دهند .

والدین : چندین جلسه یکبار والدین از کارگاه ها دیدن داشتند و بسیار از روند کار راضی بودند و اظهار داشتند که کارگاهها دیگر خشک و رسمی نیستند .

والدین شاغل خواستار نمایشگاهی از آثار اعضا شدند و همگی تاکید داشتند آثار فرزندشان را حتما تحویل بگیرند تا به دوستانشان نشان دهند.

تحلیل داده های حاصل از شواهد (2)

با شروع تابستان آموزشگاهها را کم کم آغاز کردم و بعد از مهر با وقفه ای دوباره آن آموزش ها را ادامه دادم و هنوز هم در این راه به دنبال کسب مطالب جدید برای خود و شیوه های نو برای اعضا هستم .

اوضاع کلاس در روز های ابتدائی زیاد جذاب نبود . سبک هایی را که انتخاب کرده بودم با آموزش مستقیم و توضیح اصطلاح آن ، برای اعضا چندان جالب و جذاب نبود و حتی بسیار سنگین و غیر قابل درک تصویری بود . با راهنمایی همکاران چند سبک را انتخاب کرده و در صدد یافتن راه ها و شیوه های متناسب برای ارائه به گروه سنی نوجوان برآمدم . همزمان بار اطلاعاتی خود را بالا بردم و به آموزش هایم لحظه به لحظه حساس تر شدم . گاهی خودم را جای نوجوان جا می زدم .

گاهی در اجرای سبک ها موفق ، گاهی نه چندان موفق و گاهی ناموفق بودم. بنا براین به دنبال علت ها می گشتم .

هر بار که نتیجه ی کلاس ، موفقیت آمیز بود از بچه ها می خواستم خودشان آن شیوه را با راه های خلاق دیگر انجام دهند و اگر مشاهده میکردم شیوه اجرایی موفقیت آمیز نبوده در صدد راه های دیگر بر می آمدم و اگر باز هم به شکست بر می خوردم به دنبال چرایی آن با توجه به نظر همکاران ، اعضا و اساتیدم آن را تجزیه و تحلیل می کردم .

بعد از چند ماه اعضا به طور مداوم هفته ای دو بار می آمدند و با شروع کلاسهای مدرسه ، هفته ای یک بار حضور پیدا می کردند. حتی با وجود تعمیرات مرکز جای کوچکی را برای حضورشان فراهم میکردم و هر بار برای این مکان کوچک عذر می خواستم .

بعد از چند ماه مشاهده کردم :

- آموزش و اجرای سبک ها به علت نو بودن و اجرا با شیوه های جدید هنری باعث سرزندگی و احساس تازگی در اعضا شدن نوجوان را بیشتر به فعالیت های هنری کشانده بود .

- با اجرای شیوه های جدید ، اعضا با نشان دادن آثارشان به مربیان دیگر و اعضا جدید باعث ایجاد انگیزه و جذب آنها به کارگاه نقاشی شدند . همین امر ، نوجوانان جدید را بیشتر به کلاس های پیشرفته و مطالب جدید سوق میداد .

- برای نوجوان اثبات شده بود که کارگاه ها هم برای کودکان است هم برای نوجوان .

- فضای کلاس را به سه قسمت تقسیم کردم . کودکان ، نوجوانان ، نوجوانان مستعد . همین امر برای نوجوان مستعد باعث استقلال و درک اینکه وجودش در کارگاه مهم است را ایجاد کرد .
- با اجرای شیوه های جدید سبک های بصری ، بازی با برنامه های اعتیاد آور واتس آپ ، وایبر و..... کم شده بود . به نوعی سعی در استفاده درست از گوشی های اندرود بر آمدم . به این صورت که از آنها میخواستم جهت درک هرچه بهتر سبک ها ، از بازار برنامه های مرتبط هنری را دریافت کنند .
- از لحاظ روانشناسی جدا شدن از مرحله کودکی به نوجوانی را اعضاء در آثارشان مشاهده می کردند و به غروری سرخوش تبدیل شده بود .
- در کنار نوجوان ، انجام فرآیند هنری توسط خود مربی ، باعث آرامش و ساده تر بودن اجرا توسط عضو می شد .
- در اجرای آموزش سبک ها به نوجوان ، حتماً باید آموزش ها غیر مستقیم باشد . چون اگر آموزش مستقیم باشد نوجوان نه متوجه معنی و تعریف آن می شود و نه می تواند آن را درست اجرا کند .
- نحوه ی تدریس باید غیر دستوری و دوستانه باشد .
- حتماً زمان هایی را جهت صحبت با نوجوان در حیطه هنری داشته باشیم حتی یک جلسه دوستانه به حرف زدن بگذرانیم ، که آنها تصور نکنند موش آزمایشگاهی ما هستند .
- وجود ورک شاپ و اجرای فرآیند های خارج از کارگاه و کانون ، برای نوجوان بسیار جذاب بود . سعی میکردم چند هفته یک باری امکان خروج از مرکز جهت بازدید و اجرای فعالیت های هنری خارج از مرکز را فراهم کنم .
- با برپایی نمایشگاهی از آثار اعضاء ، استقبال والدین از آثار هنری جدید فرزندانشان باعث انگیزه به عضو و مربی بود .

نتیجه گیری نهایی و پیشنهاد ها

- با توجه به اجرای شیوه ها و راه های جدید برای اعضای سال گذشته ام ، بالا بردن دانش مربی و طبقه بندی اعضاء نسبت به کارگاه از لحاظ مقدماتی و پیشرفته بسیار مهم است .
- با توجه به مسئله ی حضور اعضاء سال قبل ، به منظور یادگیری مطالب جدید هنری سعی در استفاده از سبک های بصری پیشرفته ای داشتیم که باید آنها را برای نوجوانان ساده و متناسب با گروه سنی آنها ، ارائه می دادم . هنوز هم به دنبال راه های دیگری هستم تا بتوانم سبک های بیشتری را با شیوهایی ساده به اعضا نوجوان آموزش دهم .
- زمانی که با همکاران هنری استان خودم صحبت کردم و پرسیدم ، به اعضای نوجوان ثابت کارگاه نقاشی ، چه آموزش هایی را می دهند همگی سابقه های دو تا 4 ساله داشتند و هنوز با این مسئله مواجه نشده بودند . دو تا از همکاران با سابقه هم متوجه این مسئله نشدند و اگر شیوه های جدیدی را احساس میکردند باید آموزش دهند همان موقع به دنبالش بودند و درصدد نتیجه موفق یا عدم موفقیت آن نبودند .

همکاران مرکز و مسئول مرکز پا به پای من و با دقت نتیجه کارگاه را بررسی می کردند و مواردی را جهت راهنمایی عنوان میکردند .

هنوز ایده های دیگری در جهت کار با این اعضاء دارم ، می خواهم به نوعی والدین نوجوانان را به کارگاه ها بیاورم و حتی ورک شاپ های یک روزه مادر و دختر ، پدر و دختر، و... برگزار کنم .

نوشتن گزارش برای منِ مربی ، که فعالیت عملی و مدام با رنگ سرو کار دارد ، بسیار بسیار دشوار بود . البته با خواندن خط به خط کتاب دکتر اقبال قاسمی پویا که روان و شیوا نوشته شده بود آرامش نسبی گرفتم .

منابع:

کتابها و مجلات تخصصی هنر، استفاده از اینترنت ، استفاده از نظرات اساتید مجرب هنر، استفاده از تجربیات همکاران

- پلنگی ، ناصر، شیوه طراحی ذهنی، انتشارات سروش ، 1389

-قاسمی پویا، اقبال، پژوهش در عمل

-لوسی اسمیت، ادوارد، آخرین جنبشهای هنری قرن بیستم ، مترجم: دکتر علیرضا سمیع آذر، انتشارات نظر ، 1389

- ورامینی ، نیما ، تفکر خلاق در گرافیک ، ناشر فرهنگسرای میر دشتی، بهار 1387

- حافظ نیا، محمد رضا، مقدمه ای بر روش تحقیق در علوم انسانی ، انتشارات سمت

- کریگسان ، مایکل ، هنر مدرن ، مترجم : فریبرز فرید افشین ، انتشارات آبان ، 1387

-مصاحبه با دکتر الیاس صفاران، هیئت علمی دانشگاه هنر پیام نور تهران شرق

Archive of SID